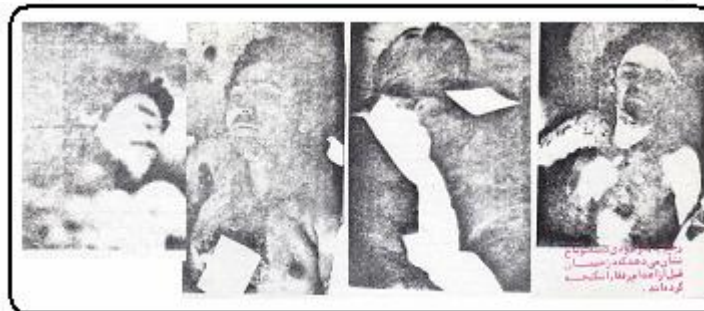


۱۸- نجی فورال تورکمن لیدرلری نینگ ترور ادیلمگی نینگ ۲۸- نجی یئل دوئومی.

گچمه یار، گچمه سین هیچ گۆن، شہیدلر یادینگا دؤشمسه هر گۆن !



اجساد رهبران ملت تورکمن.
علام شکنجه وحشیانه قبل از ترور بر تن عزیزان ما مشهود است.

نشریه "بانگ رهایی"^{۱۲} ارگان کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور) که به طور مخفیانه در ایران منتشر می‌شود، در شماره‌های شهریور - مهر و آبان خود اطلاعات تازه‌ای از درگیری‌های جناح‌های حکومتی در جریان انتخابات مجلس خبرگان و همچنین اعتراضات مردم علیه رژیم منتشر کرده است.

سخنرانی جنجالی خلخالی در دانشگاه

این نشریه، جریان سخنرانی جنجالی ۱۴ مهر خلخالی در مسجد دانشگاه تهران را چنین نقل کرده

خلخالی پس از آن به شرح جنایات خود در ترکمن صحرا پرداخت و گفت: یک روز احمد آقا تلفنی مرا احضار کرد. نزد امام رفتم و ایشان را در بستر بیماری دیدم. آقا گفت: ترکمن صحرا دار داز دست می‌رود و من جز شما به کس دیگری اطمینان ندارم، آیا می‌توانی اوضاع را آرام کنی؟ گفتم: آقا به والله سر همه‌شان را برایتان می‌آورم. بر چهره خسته و بیمار آقا لبخندی ظاهر شد و ایشان در حق من دعا کردند. خلخالی سپس گفت: من با اهدام حدود ۲۵ نفر در آنجا توانستم اوضاع را آرام کنم. در اینجا دانشجویان انجمن اسلامی یک صدا به خنده افتادند و خلخالی که دریافتی بود در نقش حتی برای دوستانش نیز باور کردنی نیست، خودش نیز به خنده افتاد و اضافه کرد: شاید آمار دقیق اهدام‌های گنبد نبود و چند نفر باشد. وی به اهدام رهبران خلق ترکمن احترام کرد و گفت از جمله کسانی که در ترکمن صحرا اهدام کرده است، توماج، واحدی و جرجانی بوده‌اند. خلخالی در ادامه سخنانش گفت: پس از بازگشت به تهران در بیمارستان قلب که امام در آن بستری بود، بدیدن ایشان رفتم. به محض ورود از من سوال کردند: گنبد چه شد؟ و من گفتم: آقا تفضیه گنبد دیگر تمام شد. آقا نفس راحتی کشیدند و مجدداً مرا دعا کردند.

۱۳۵۸ - نجی پئلینگ بهمن آبی نینگ ۱۸ - ینه، نامارتلیق بیلن

او غورلاناں تورکمن لیدرلری؛

شیرلی توماج، حکیم مختوم، طواق ماد واحدی و حسین جرجانی نینگ

آغیر غیناغ آستیندا ترور ادیلن جسدلری ۱۰ گون سونگرا چمن بید

چؤللوگینده تاپیلیار.

بو جنایتدان ۲۸ یئل گچن هم بولسا، ایران رژیم قورقوسیندان ادن

بو غانحورلیغینی بویون آلیپ بیلمان گلیار.

آ...ی توماج، توماج

"تا یماز" کتا رینجره آمد
 وهراسان درشب آتش وکشتا رنگریست
 همسرت کبیرپیشان کرد
 ودربرابر بدشت برشعله وودا بیستا د
 آنجا، ما دری درگشودوپیکربره راه افکند
 وچشم درچشم چکمه پوئان فریا دزد
 مشت برسینه کوفت و فریا دزد
 "زنده با دشورا، زنده با دخلق"
 وصدای درخشان درگلوله ها خا موش شد
 آ...ی توماج، توماج
 قهرمان "شوراها"، توماج



شاه رفیقا تراهراسان به گلوله بست
 فدایشان و مجاهدان را به گلوله بست
 تپه های اوین، تپه های اوین
 آروزنه رزمنده، شکست تا پذیر
 برتپه های اوین ایستا دند
 نه رزمنده، خلق دربرابر دشمن ایستا دند
 آتش رگبار جلادان کمانه بست
 نه برنده، سرخ انقلاب به خون نشست
 دیروز برتپه های اوین، نه جزیره، خون
 و امروز بر دامن جنگلی ترکمن صحرا...
 آ...ی توماج، توماج
 جزیره، خون ترکمنی، توماج



خلق ترکمن فریا دکشید
 دشت های درونشده فریا دکشیدند
 ستا دشورا های ترکمن صحرا
 یادها ن سوخته، پنجره ها فریا دکشید
 رودخانه های ترکمن صحرا فریا دکشیدند
 آسمان ترکمن صحرا فریا دکشید
 آ...ی توماج، توماج

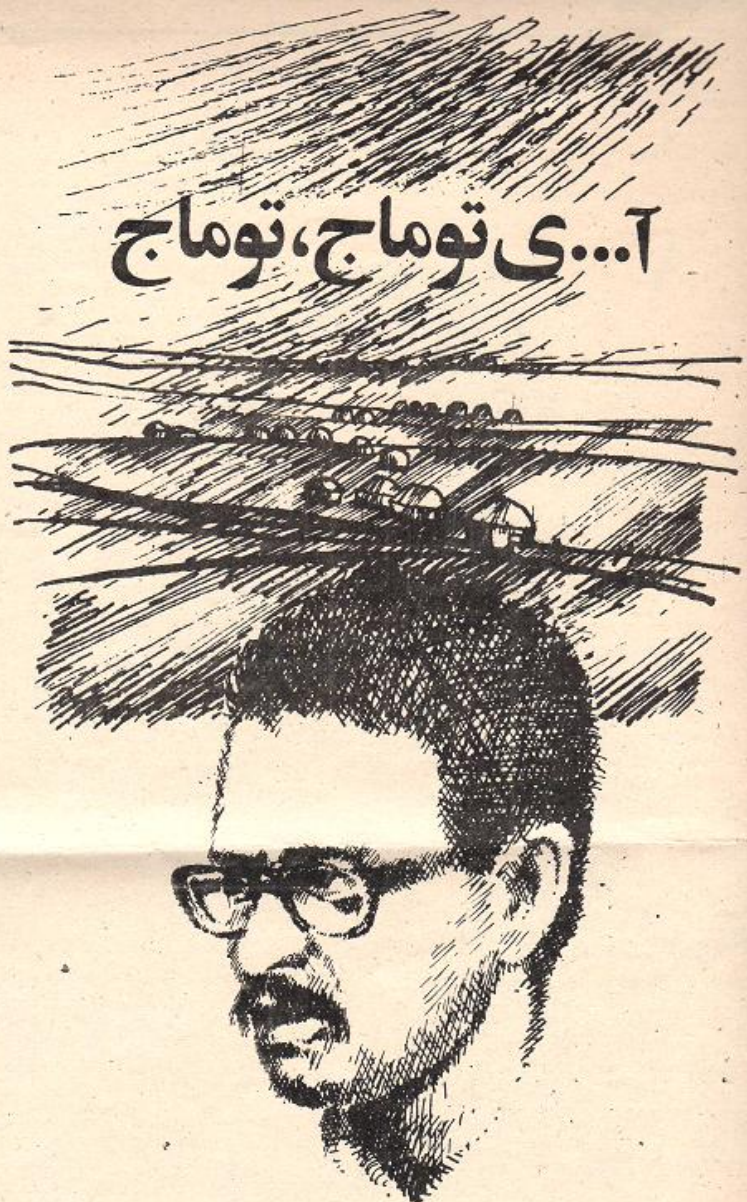


فریا دترکمن صحرا، توماج

شبانه کتا رفیقان ایستادی
 دربرابر بدشت وستا دشورا
 ستاره های ترکمنی در آسمان صحرا
 می درخشیدند
 و ماه ترکمنی در آینه، رودخانه خنجری
 خونین بود

جانیا ن آتش گشودند
 و فریاد "زنده با دخلق، زنده با دشوراها"
 در عطر خون بیچید
 و چون ما عقیای خونین
 از یورت شیخان "تا" اینجه برون
 و از "گمیش تپه" تا "شیخلر" آتش گرفت
 نگاه کن، نگاه کن
 این دریای پرچم های سرخ
 که بردست کودکان ترکمن صحرا بسته
 گردش در آسمان است
 خون دلوران ترکمن صحراست
 چون صیادان و کشتگران است
 خون زمین و شورا است
 خون آواز خوان رفیقانست
 خون آواز خوان توست، توماج
 آ...ی توماج، توماج
 داس خونین دهقانان، توماج
 تورخونین صیادان، توماج

اسفندماه پنجاه و هشت



و در کتا ره های ویدورونزدیک
 دلوران ترکمن را شکار می کرد
 آ...ی توماج، توماج
 فرزند دلیر خلق، توماج



ماه شکسته، بهمن در ابر می گشت
 و رودخانه جنگلی زمزمه های دیگرگونه
 داشت

دریای همه گران متورا می گفت
 صیادان ترکمن نام تورا بربل داشتند
 کشتگران ترکمن نام تورا می خواندند
 با دهای ترکمن صحرا نام تورا می بردند
 ما دران از خواب پر خون و غم
 می بیدار شد
 و چشم پدران کتا رفا نوس ها می درخشید
 آ...ی توماج، توماج
 رزم آور صیادان و کشتگران، توماج



آ...ی توماج، توماج
 گل عمیانی زندان های شاه، توماج
 آ...ی توماج، توماج



ماه روی جنگلهای "گلستان"
 ماه در سینه، رودخانه "گالیکش"
 خنجر خط زحادهای خونین بود
 ماه در آینه های موج می شکست
 آ...ی توماج، توماج
 لاله، توفانی دشت های خون، توماج



چکمه پوئان در کانون فرهنگی ترکمن
 می گشتند
 پوزه به خون، بردگان در ستا دشوراها
 می گشتند
 شتک های خون بر دایره های گنبد می درخشید
 و اوبه های برهنه آزدنورا زکوچنده برید
 هنوز گلوله های پاداران
 در سینه، پرستاره، شب می نشست

اوزی- ده اتیلیپ اولدوریلن سعید سلطانپورینگ توماج- اباغیشلان خوشغوسی.
 ماغولماتلاری پنغاپ یوللان: آق میرات گورگنلی